

# تینگى و گاوها



- ✎ Ingrid Schechter
- 👤 Ingrid Schechter
- 💬 Marzieh Mohammadian Haghighi
- 🗣️ persisk
- 📊 nivå 2

تینگی با مادر بزرگش زندگی می‌کرد.



او عادت داشت که با مادر بزرگ از گاوها مراقبت کند.



پک روز سربازها آمدند.





آنها گاوها را با خودشان بُردند.

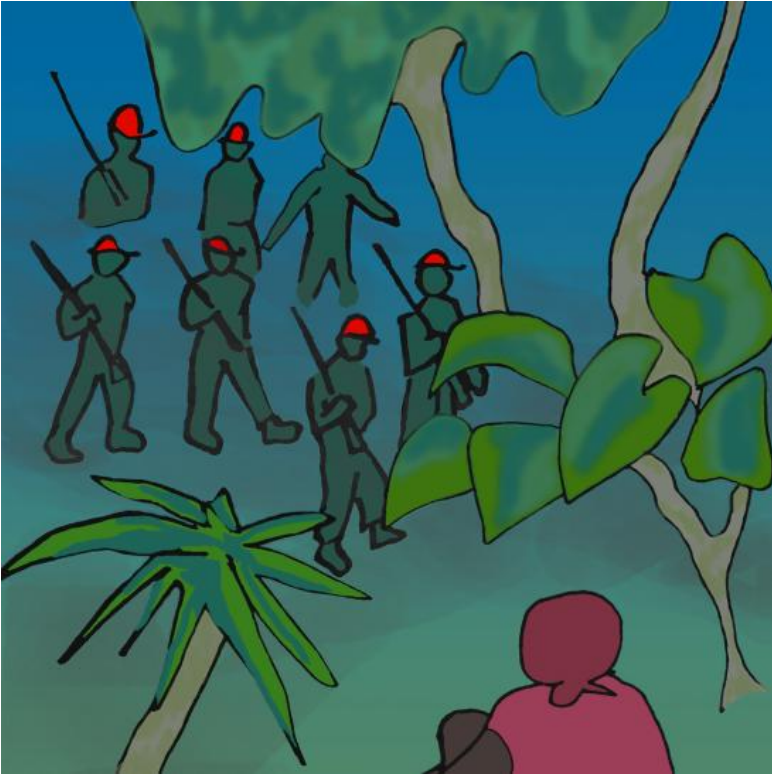
تینگى و مادر بزرگش فرار کردند و پنهان شدند.



آنها در یک بوته تا شب مخفی شدند.



سربازها دوباره برگشتند.





مادر بزرگ تینگی را زیر برگ ها قایم کرد.



یکی از سربازها پایش را دُرُست روی تینگی گذاشت ولی او ساکت ماند.



وَقْتِي كِه هَمه چيز آرام شُد، تينگی وِ مادر بزرگش بيرون  
آمدند.



آنها خیلی آرام به خانه رفتند.





# Barnebøker for Norge

[barneboker.no](http://barneboker.no)

تینگى و گاوها

Skrevet av: Ingrid Schechter

Illustret av: Ingrid Schechter

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) og er videreformidlet av Barnebøker for Norge ([barneboker.no](http://barneboker.no)), som tilbyr barnebøker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons  
[Navngivelse 3.0 Internasjonal Lisens](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).